

Examining the Developments of Cultural Aggression and Its Role in Criminalization

iD Mohsen Eini

Associate Professor, Department of Law, Faculty of Social Sciences, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. (Corresponding Author) eini@soc.ikiu.ac.ir

iD Saber Ghamar Tabar

Master's Graduate in Criminal Law and Criminology, Imam Khomeini International University, Qazvin, Iran. ghamartabar1900@gmail.com



Abstract

The proliferation of media has led to the globalization of culture and the spread of anti-Islamic and anti-Iranian cultural programs by Western countries, raising concerns among the country's thinkers and politicians. This study addresses the questions: What discourse has emerged in response to this phenomenon? How has it played a role in criminalization? And what does the future hold? The hypothesis of the article is that the discourse of cultural invasion has arisen, leading to criminalization in the cultural sphere, with its future remaining uncertain. Our research employs a descriptive-analytical method using library resources and adopts an interdisciplinary approach that combines legal analysis with political sociology.

**Journal of Research and
Development in Criminal Law and
Criminology**

**Iranian Law and Legal Research
Institute**

**Vol. 1 | No. 2 | Fall 2024 and
Winter 2025
(Original Article)**

<https://jclc.illrc.ac.ir>

DOI:

[10.22034/jclc.2024.2048244.1129](https://doi.org/10.22034/jclc.2024.2048244.1129)

It examines the concept, roots, formative factors, and efforts of potential actors concerning criminalization within this discourse. The findings show that criminalization is not the result of a single actor's efforts; rather, the discourse of cultural invasion has, in different periods, been accompanied by other discourses, challenges, or adjustments that have had positive or negative effects on criminalization in the cultural field a situation that repeats itself. However, framing discourses and determining policies and strategies through interaction and consultation with elites can help avoid emotional and unjustifiable criminalization by enacting favorable laws.

Keywords: Globalization, Cultural Aggression, Criminalization, Cultural Exchange.




بررسی تحولات گفتمان تهاجم فرهنگی و نقش آن بر جرم انگاری

دانشیار گروه حقوق، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران (نویسنده مسئول)
eni@soc.ikiu.ac.ir

محسن عینی 

دانش آموخته کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی، دانشگاه بین المللی امام خمینی، قزوین، ایران
ghamartabar1900@gmail.com

صابر قمر تبار 



دوفصلنامه تحقیق و توسعه در حقوق کیفری و

جرم‌شناسی

پژوهشکده حقوق و قانون ایران

دوره ۱ | شماره ۲ | پاییز و زمستان ۱۴۰۳
(مقاله پژوهشی)

www.jclg.illrc.ac.ir

DOI:

[10.22034/jclg.2024.2048244.1129](https://doi.org/10.22034/jclg.2024.2048244.1129)

چکیده

رشد رسانه‌ها موجب جهانی شدن فرهنگ و رواج برنامه‌های رسانه‌ای ضد فرهنگ اسلامی- ایرانی توسط کشورهای غربی شد، این کار باعث نگرانی اندیشمندان و سیاستمداران کشور برای نفوذ آنها به فرهنگ اسلام گردید. پرسش این است که چه گفتمانی در برابر آن مطرح شد؟ چگونه بر جرم‌انگاری نقش داشت؟ و آینده آن چگونه است؟

روش ما در این پژوهش از نوع توصیفی- تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای و رویکردی میان رشته‌ای با تلفیقی از جامعه‌شناسی حقوقی و سیاسی به واکاوی مفهوم، ریشه‌ها، عوامل شکل‌گیری و تلاش کنشگران سیاسی برای جرم‌انگاری مرتبط با گفتمان تهاجم فرهنگی، پرداخته ایم و بر مبنای آن جرم‌انگاری حاصل تلاش یک کنشگر نیست و گفتمان تهاجم فرهنگی در دوره‌های مختلف با چالش، همراهی یا تعدیل گفتمان‌های دیگر مواجه بوده که تاثیر ایجابی یا سلبی بر جرم‌انگاری در حوزه فرهنگی داشته است و این وضعیت در آینده هم به این صورت است.

ولی چارچوب سازی گفتمان ها و تعیین سیاست ها و راهبردها در پرتو تعامل و رایزنی با نخبگان ، موجب می شود تا با تصویب قوانین پسندیده، از جرم انگاری هیجانی و نامقبول نیز پرهیز شود.

کلیدواژه‌ها: جهانی شدن، تهاجم فرهنگی، جرم انگاری، تبادل فرهنگی

درآمد

جهان محصول گفتمان‌هاست و گفتمان‌ها قدرت دارند. این قدرت آنان را قادر می‌سازد که موضوعی سیاسی یا اجتماعی را برجسته کنند یا به حاشیه برانند. همچنین این قدرت به آنان امکان می‌دهد در منازعات سیاسی - اجتماعی یک هژمونی ایجاد کنند یا حتی ساختار شکن شوند و در عین اسطوره‌سازی، هویت‌سازی کنند (جمشیدی و نوا بخش ۱۳۹۵، ص ۳۵) گروه‌ها و جناح‌های سیاسی، کنشگران برجسته‌ی عرصه‌ی قانون‌گذاری هستند که در فرایند ایجاد قانون گفتمان ویژه خود را به همراه می‌آورند و از آن به گفتمان سیاسی تعبیر می‌شود. رخدادهای سیاسی از نوع مجلس یا قوه‌ی مجریه با لحاظ اینکه کدام یک از جناح‌های سیاسی یا احزاب موفق می‌شوند، باعث تحول در رویکرد تقنینی - اجرایی در چارچوب قانون اساسی کشورها می‌شود. جناح پیروز، ناچار است موارد و خط-مشی‌های اقتصادی، اجتماعی و حقوقی وعده‌های انتخاباتی خود را در پرتو اصول قانون اساسی تعریف و اعمال نماید (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۸، ص ۷۷۰). به نظر برخی از اندیشمندان مانند پل ساباتیه^۱ فهم فرایند ایجاد سیاست، مستلزم نگاه به اجتماع سیاسی بین دولتی یا نظامی مرکب از دیوان سالاران، کارمندان عادی قوه‌ی قانون‌گذاری، رهبران گروه‌های ذی نفوذ، پژوهشگران و گزارشگران متخصص در این حوزه است و تمرکز بر نهادهای خاص نمی‌تواند به فهم این فرایند یاری رساند (خانعلی‌پور و اجارگاه، ۱۳۹۷، ص ۷۴). نقش مجالس قانون‌گذاری در فرایند سیاست‌گذاری تحت تاثیر دو دسته عوامل ساختاری و کنشگران قرار دارد. عوامل ساختاری شامل اختیارات و صلاحیت‌های قانونی مجلس، ساختار و سازمانهای درونی مجلس (سازمان حزبی مجلس، کمیسیون‌ها و منابع)، جایگاه مجلس در توزیع قدرت و ساختارهای بیرون از مجلس (ساختار اداری و اجرایی، ساختار حزبی و انتخاباتی و تحولات بزرگ سیاسی و اقتصادی) هستند. کنشگران عبارتند از: رئیس مجلس، رئیس قوه مجریه، نمایندگان و گروه‌های نفوذ. این ساختارها و کنشگران در تعامل با یکدیگر نقش مجالس را در فرایند سیاست‌گذاری شکل می‌دهند (سینایی، محقر، زمانی، ۱۳۹۰، ص ۷۸).

^۱ - Paul Sabatier

به عقیده‌ی برخی از صاحب‌نظران مانند پل میشل فوکو^۱ این روابط قدرت از طریق گفتمان است که سوژه‌ها و ابژه‌های جرم را می‌سازد و در نهایت به عنوان بخشی از واقعیت جرم قلمداد می‌شوند، در نتیجه اگر روابط قدرت تغییر کند سیاهه‌ی جرایم تغییر می‌کند (نجفی - ابرندآبادی، گلدوزیان، ۱۳۹۷، ص ۲۰). همانا تعامل زیادی بین سیاست جنایی و دنیای سیاست وجود دارد؛ زیرا سیاستمداران، به طور زیادی با جرم‌انگاری رفتارها، چارچوب پاسخ‌های جامعه را مشخص می‌کنند (شامبیاتی، سلطان‌فر، ۱۳۹۶، ص ۹۳-۹۴) زیرا حقوق کیفری رشته‌ای است ملی و داخلی و ارتباط تنگاتنگی با نظام سیاسی حاکم دارد و به دلیل تفاوت ارزشهای سیاسی و اقتصادی حکومت‌ها، بخش حقوق کیفری اختصاصی آن کاملاً جنبه‌ی داخلی دارد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۸۳، ص ۵). سیاستمداران همواره با طرح گفتمان‌هایی باعث جهت‌گیری در سیاست‌ها و خط مشی‌های جامعه از جمله در زمینه‌ی کیفری می‌شوند و مسیر آن را تغییر می‌دهند.

با رشد سریع فناوری اطلاعاتی و ارتباطاتی در سال‌های ۶۰ و ۷۰، نگرانی‌هایی در بین سیاستمداران و اندیشمندان خارجی و داخلی به وجود آمد. در ایران هر یک از کنشگران سیاسی با توجه به ایدئولوژی حاکم بر نظام سیاسی، زمینه‌های اجتماعی، سابقه‌ی فردی و ترس اخلاقی از جرم، برداشتهای متضادی از رسانه‌ها داشتند. عده‌ای به نظام سرمایه-داری بدبین بودند و فرهنگ آن را منشأ فساد، جرم و انحراف می‌دانستند و عده‌ای هم نگاه خوش‌بینانه داشتند و معتقد بودند که نمی‌توان در برابر آن مقاومت کرد و باید به استقبال آن رفت. این وضعیت، این سوال را ایجاد کرد که در برابر این تحول سترگ چه گفتمانی طرح شد؟ و این گفتمان چه تاثیری بر جرم‌انگاری داشت؟ و آینده این گفتمان چگونه است؟

روش ما در این پژوهش نیز به صورت توصیفی - تحلیلی است که با استفاده از منابع کتابخانه‌ای با رویکردی میان رشته‌ای و تلفیقی از جامعه‌شناسی حقوقی و سیاسی به بررسی موضوع پرداخته و بدین منظور مقاله را در دو بخش سامان داده ایم؛ در بخش اول مفهوم، ریشه‌ها و موجبات تهاجم فرهنگی تحلیل شده است و در بخش دوم تاثیر این

^۱ - Paul Michel Foucault

گفتمان بر جرم انگاری در چهار دوره قانون گذاری مورد کنکاش قرار گرفته و مصادیق قانونی آن شناسایی شده است.

۱. تهاجم فرهنگی : مفهوم ، ریشه ها و موجبات

یکی از ابعاد جهانی شدن، بعد فرهنگی و تاثیرات آن بر ساختار سیاسی، اجتماعی و اقتصادی ملتها و کشورهاست. این بعد از جهانی شدن بر اقتصاد و سیاست تفوق دارد و توجه عمده آن بر روی مشکلاتی متمرکز است که فرهنگ جهانی با بهره گیری از رسانه های جمعی بر هویت های ملی و محلی به وجود می آورد. مبنای تحلیل طرفداران فرهنگ جهانی، بر این اصل مبتنی است که رشد فزاینده فناوری و وسایل ارتباط جمعی، اینترنت و ماهواره، موجب فشردگی زمان و مکان و نزدیکی کشورها شده و از این طریق یک فرهنگ مسلط در سطح جهانی تشکیل شده است (نادمی، ۱۳۸۸، ص ۱۴۴). در اثر جهانی شدن مراودات فرهنگی بالا رفته و پیوند عمیق فرهنگی بین کشورها ایجاد شده و مشکلاتی هم در این زمینه به وجود آمده است. تروریسم جهانی که استراتژی اقدام گروه های رادیکال مانند القاعده است، - که بروز عینی گونه ای از خاص گرایی فرهنگی است،- بنیادگرایی دینی (جوان شهرکی، ۱۳۸۷، ص ۲۵۷-۲۶۱) و پوشیدن چادر توسط زنان مسلمان و دموکراسی آسیایی و به تبع آن ارزش های آسیایی که توسط برخی از دولت های آسیایی مطرح شده شکلی از مقاومت در برابر جهانی شدن است (قهرمانپور، ۱۳۸۲، ص ۴۸۹-۴۹۰). جهانی شدن فرهنگی علاوه بر اندیشمندان و سیاستگذاران جهان سوم در بین اندیشمندان و سیاستگذاران کشورهای توسعه یافته مانند فرانسه، استرالیا و ژاپن نگرانی هایی را به وجود آورد. واژه های امپریالیسم فرهنگی، آمریکایی شدن و غربی شدن در وهله اول ابداع خود نظریه پردازان غربی است (قانعی راد، ستوده، ۱۳۸۴، ۹). از این رو سیاستمداران و اندیشمندان کشور که دغدغه ای به خطر افتادن فرهنگ اسلامی داشتند در برابر آن گفتمان تهاجم فرهنگی را طراحی کردند.

برخی از صاحب نظران سه عنصر اصلی را برای فرهنگ بر می شمارند: ۱- محور اصلی فرهنگ را باورها و عقاید مربوط به خدا، انسان، ارتباط انسان با خدا و جهان طبیعت، امامت امت و عدالت خداوند معرفی می کنند؛ یعنی آنچه که در قامت اصول دین است. در اسلام

یک سلسله باورهایی وجود دارد که یقینی است؛ یعنی هم مطابق با واقعیتند و هم انسان باید به آنها یقین داشته باشد و اگر به ما بگویند که به این مسائل نمی‌توان یقین داشت، با اسلام سازگاری ندارد؛ ۲- ارزشها و خوب و بدها: اسلام یک سلسله خوب و بدهای ثابت و ابدی به ما ارائه می‌دهد؛ منظور، اصول ارزشی و مبانی است نه احکام جزئی؛ ۳- شیوه‌های رفتار خاص برخاسته از آن بینشها و ارزشها. البته لهجه‌ها، لباسهای گوناگون محلی و کیفیت ارزشها و آداب و رسوم را جزء عناصر اصلی فرهنگ قلمداد نمی‌کنند (مصباح یزدی، ۱۳۹۴، ص ۱۰۳-۱۰۴) و هجوم فرهنگی یعنی حمله به این سه عنصر اصلی (همان، ص ۱۰۷). در تعریف دیگری از تهاجم فرهنگی آمده است: هر نهضت و حرکتی که هدف آن برانداختن آداب و تمدن و رسوم تعلیم و تربیت و آداب و شعائر و سنن دینی قوی یک جامعه و تضعیف اعتقادات و پای بندی افراد آن جامعه به خصوص جوانان و نوجوانان به فرهنگ و آداب خودشان برای آماده سازی آنها به قبول عادات بیگانگان باشد، تهاجم فرهنگی است (صافی گلپایگان، ۱۳۹۲، پایگاه مرجع ما). عده‌ای دیگر معتقدند: «تهاجم فرهنگی این است که یک مجموعه - سیاسی یا اقتصادی - برای مقاصد سیاسی خود و برای اسیر کردن یک ملت به بنیادهای فرهنگی آن کشور هجوم می‌برد. چنین مجموعه‌های هم چیزهای تازه‌ای را وارد آن ملت می‌کنند. اما به زور، اما به قصد جایگزین کردن آنها با فرهنگها و باورهای ملی؛ این اسمش تهاجم فرهنگی است» (سایت رهبر انقلاب، بیانات مورخ ۱۳۷۱/۰۵/۲۱). با توجه به تعاریف ارائه شده، فقط دستاوردهای معنوی فرهنگ در تهاجم فرهنگی مورد نظر قرار گرفته است که آن شامل باورها، ارزشها و کردارهای اسلامی است. در مقابل تهاجم فرهنگی، تبادل فرهنگی قرار دارد که از گفتگوی تمدنها استقبال می‌کند و آن به معنای نفی و تخریب تمدن‌های غربی و اسلامی نیست، بلکه این سازوکار قصد دارد با استفاده از مباحث درون تمدنی، درون شرقی و اسلامی به پیامی برای ارتباط با دنیای غرب دست یابد (خاتمی، خبرگزاری مهر، کدخبر: ۲۵۳۴۴۳) و به باور برخی، تبادل یعنی گفتگوی من و شما تا ببینیم کدام یک درست می‌گوییم (قرائتی، ۱۳۸۷، ۲). از این رو تبادل فرهنگی هیچ‌گونه خطری بر علیه ارزشها و باورهای فرهنگی نیست.

رسانه‌ها از جمله ماهواره، اینترنت، کتاب، ویدئو ... عوامل شکل‌گیری این گفتمان هستند. آمریکا بعد از فروپاشی شوروی با ایجاد نظام تک قطبی تبدیل به یک قدرت هژمون نظامی، اقتصادی، سیاسی شد و سعی داشت با قدرت رسانه‌ای خود سیطره‌ی فرهنگی را به دست آورد. از این‌رو با استفاده از رسانه‌ها این کار را در دو عرصه‌ی تبلیغ ارزشها و اندیشه‌های پست مدرن که نه تنها با مدرنیسم مخالف بود، بلکه جهت اصلی خود را به چالش کشیدن اسلام به عنوان تنها ایدئولوژی باقی مانده در عرصه‌ی روابط بین‌الملل قرار داد و جهت‌گیری خیلی از برنامه‌های رسانه‌ای آن منویات اسلام بود. عرصه‌ی دیگر رواج ابتدال، فحشا، محتویات مستهجن و مد لباسهای غربی بود که از طریق برنامه‌های ماهواره‌ای و فیلم‌های ویدئویی دنبال می‌شد که مردم مبادرت به الگوبرداری کنند تا با تغییر ظاهرشان افکار آنها را هم عوض نمایند و فرهنگ خود را بر آنها چیره کنند. اما اندیشمندان کشور به‌کارگیری اصول و قواعدی که اسلام برای حفظ محدوده‌ی فرهنگی-اش وضع کرده است، مبادرت به نظریه‌پردازی در برابر این هجوم کردند که به برخی از این نظریه‌ها مانند حفظ نظام، جهاد کبیر، ضروریات پنج‌گانه، قاعده نفی سبیل و رد تشابه به کفار اشاره می‌کنیم.

قاعده‌ی حفظ نظام: از آن سه معنای حفظ نظام اجتماعی و زندگی مردم، حفظ احکام شریعت و نظام سیاسی اسلام برداشت می‌شود. این سه معنا در ارتباط با هم هستند، اگر نظام سیاسی اسلام نباشد خبری از احکام شریعت و نظام اجتماعی مردم نیست و از طرفی هم اگر آنها مورد تهدید واقع شوند نظام سیاسی مورد تهدید قرار می‌گیرد. از این‌رو خواستند از طریق رسانه‌ها با ایجاد اخلال در زندگی اجتماعی مردم و شریعت اسلام نظام سیاسی آن را تهی گردانند. توسل به این قاعده زمینه‌ساز ورود موضوعات ساده به قلمرو امنیت و جرم‌انگاری آنها به بهانه‌های مذکور شده است که به نوبه‌ی خود بر تورم کیفی افزوده و کارایی چندانی هم ندارند.

جهاد کبیر: در رابطه با امنیت فرهنگی آیه شریفه‌ی «فلا تطع الکافرین و جاهدکم به جهاداً کبیراً» (۵۲ / فرقان) مورد استناد قرار می‌گیرد که علما تفاسیر گوناگونی از آن دارند. عده-ای معتقدند که در آنچه تو را به آن دعوت می‌کنند به حق یا قرآن با آنها جهاد شدید کن

سمعانی، ۱۴۰۰، ۳۲). عده‌ای معتقدند که با قرآن با دشمنان جهاد کن، یعنی قرآن را بر آنان بخوان و معارف حقیقی را برایشان بیان و حجت را بر ایشان تمام کن (المیزان، ج ۱۵: ۳۱۵) و عده‌ای معتقدند که جهاد کبیر، جهاد علمی با منطق قرآن و پاسخ دادن به شبهات دشمنان است (قرائتی، ۱۳۸۷: ص ۷۸). عده‌ای جهاد کبیر را به معنای اطاعت نکردن از دشمن و کافر در میدانهای مختلف سیاست، اقتصاد، فرهنگ و هنر می‌دانند (سایت رهبر انقلاب، بیانات مورخ ۰۳ / ۰۳ / ۱۳۹۵).

با تامل در آرای هر دو دسته از فقیهان در می‌یابیم آنجایی که فقها عقیده به پاسخ دادن به شبهات کفار دارند تبادل فرهنگی است؛ یعنی با آنها گفتگو می‌کنند و در جایی که بر اطاعت نکردن از آنها در تمام حوزه‌هاست و تاکید به رفع شبهه نیست، تهاجم فرهنگی است. در هر حال حفظ امنیت فرهنگی از هر دو تفسیر برداشت می‌شود. به باور برخی، کشورهای غربی از طریق رسانه‌ها شبهاتی را در اسلام ایجاد می‌کردند، از این‌رو برای حفظ امنیت فرهنگی از هر دو روش استفاده می‌شود، عده‌ای با ایجاد شبکه‌ها سعی در پاسخگویی به شبهات داشتند و عده‌ای هم به ممنوعیت و جلوگیری از انتشار این شبهات از طریق رسانه‌ها اعتقاد داشتند. طرح این دو گفتمان اختلاف‌هایی را بین سیاستمداران به وجود آورده که منجر به عدم طراحی راهبرد مناسب در حوزه‌ی فرهنگی شده است.

ضروریات خمسه و حفظ امنیت فردی: شهید اول مقاصد یا ضروریات خمسه را چنین بر می‌شمارد: حفظ نفس (امنیت جانی)، حفظ دین (امنیت فرهنگی) که به وسیله‌ی برخی از احکام فقهی از قبیل حرمت نگهداری و خرید و فروش کتب و ابزارهای فرهنگی گمراه‌کننده و... تامین می‌شود. حفظ عقل (امنیت روانی)، حفظ نسب (امنیت خانواده)، حفظ مال (امنیت اقتصادی) در تقسیم بندی مذکور عمدتاً حوزه امنیت فردی مورد توجه قرار گرفته است (لک‌زایی، ۱۳۹۰، ص ۵۳). در این راستا ایستادگی در برابر هجوم رسانه‌ای غرب جهت حفظ امنیت فرهنگی و امنیت روانی افراد جامعه بود. ولی استناد به این قاعده موجب تعرض به حقوق و آزادیهای اساسی افراد و دخالت بیشتر در حوزه‌ی خصوصی آنها شده است در حالی که برای افزایش امنیت فردی باید کمتر در این حوزه دخالت شود.

تشابه رسانه‌های گمراه‌کننده به کتاب‌های ضلال: در زمان قدیم کتاب‌ها تنها رسانه‌ای بودند که موجب انتقال پیام به مخاطبین می‌شدند. در فقه اسلامی، ساختن صورتهای مجسم از موجودات داری روح (نقاشی یا مجسمه) و نگهداری کتب گمراه‌کننده و نسخه-برداری و تدریس آن‌ها حرام معرفی شده است (مکی‌العالمی، ۱۳۹۲، ص ۲۰۲). ولی امروزه رسانه‌ها متحول شده‌اند و با سرعت زیاد و هزینه‌ی کمتری قادرند پیامها را رد و بدل کنند و سایر تمدنها را مورد حمله قرار دهند. در قانون اساسی توجه ویژه‌ای به رسانه‌ها شده است. در اصل ۲۷، بند ۲ اصل ۳ و در اصل ۱۷۵. در مقدمه قانون اساسی و در بخش وسایل ارتباط جمعی سه نکته مورد توجه قرار گرفته است: ۱- وسایل ارتباط جمعی بایستی در جهت روند تکاملی انقلاب اسلامی و در خدمت اشاعه فرهنگ اسلامی قرار گیرد؛ ۲- از برخورد سالم اندیشه‌های متفاوت بهره جوید. طبق این مورد تبادل فرهنگی سالم مورد پذیرش است؛ ۳- از اشاعه و ترویج خصلتهای تخریبی و ضد اسلامی جدا پرهیز گردد. مطابق این بینش، تهاجم فرهنگی و عمل کردن ضد فرهنگ اسلامی قابل پذیرش نیست. بدین ترتیب هر گونه رسانه‌ای که در خدمت اعتلای فرهنگ اسلامی نباشد یا محور آن تبادل فرهنگی سالم نباشد یا ارزشهای ضد اسلامی ترویج نماید، ممنوع است. در سال-های گذشته به این بهانه‌ها خیلی از مطبوعات، روزنامه‌ها، کتاب‌ها، برنامه‌های تلویزیونی و رادیویی تعطیل یا اجازه‌ی پخش نگرفتند.

قاعده نفی سبیل: یعنی خداوند حکمی را که به واسطه‌ی آن سلطه و برتری کافران بر مسلمانان تثبیت گردد، جعل نکرده است. یکی از مصادیق بارز سلطه کفار بر مسلمانان، سلطه فرهنگی است که مستلزم سیطره و هژمونی ارزشها و باورها و اعتقادات آنان بر جامعه اسلامی و به حاشیه رفتن ارزشهای دینی است. طبق این قاعده، باید تمام ظرفیت جامعه و نظام اسلامی به کار گرفته شود تا جلوی تهاجم فرهنگی و به تبع آن سلطه فرهنگی و سیاسی سد گردد و اساساً امنیت فرهنگی جامعه اسلامی در این فضا امکان بروز می‌یابد (لکزایی، نباتیان، ۱۳۹۲، ص ۳۴). از این‌رو مقابله با رسانه‌هایی که ارزشها، باورها و اعتقادات غربی را در جوامع رواج می‌دادند، یکی از مصادیق نفی سبیل است که می-خواهند فرهنگ اسلامی را از بین ببرند و فرهنگ غربی را جایگزین کنند. فارغ از این که

این قاعده در ارتباطات فرهنگی کشور با دیگر کشورها، تاثیراتی را ایجاد کرده است، به وضع قوانینی کمک کرده است که افراد با نقض آنها، متخلف یا مجرم قلمداد می‌شوند. رد تشبه به کفار: برخی از انواع تشبه حرام است و برخی مکروه. عده‌ای معتقدند از مصادیق تشبه حرام، تشبه مسلمان به کفار در لباس است. عده‌ای قائل به حرمت هستند. عده‌ای معتقدند تشبه به کفار در رفتار، که در ظاهر به آنها شباهت پیدا می‌کند، هر چند انگیزه‌ی فاعل این تشابه نباشد نیز مکروه است. عده‌ای تشبه به کفار و پیروی از آنان را در صورت آگاهی، سبب عدول از اسلام و ارتداد می‌دانند. تهاجم فرهنگی چنان وضع فرهنگی جامعه مسلمان را دچار تغییر و تبدیل کرده است که برخی از فقیهان به نهی صریح از این عمل پرداخته و آن را دشمنی و مبارزه با خدای متعال دانسته‌اند و برخی دیگر حتی خرید و فروش اقلامی را که تهاجم فرهنگی در پی دارد نیز حرام دانسته‌اند (نباتیان، ۱۳۹۵، ۴۱، ۴۲). مقابله با رسانه‌ها به دلیل تبلیغ لباسها و مد موها و سایر کالاهای غربی در جامعه از نوع تشبه به کفار است که با تغییر ظاهر افراد می‌خواهند موجب تغییر در اعتقادات آنها شوند، بنابراین دولت با افراد به خاطر نوع پوشش و مد موی آنها برخورد کرده و خیلی از مشاغل را هم به دلیل فروش نوع خاصی از لباس و وسایل به تعطیلی کشانده است.

امنیت فرهنگی: از منظر فقه شیعه، مکلفین (افراد، نظام اسلامی و عموم مسلمین) با انجام دادن یا انجام ندادن تکالیفی مانند تقید به آداب شرعی نظیر حجاب و تعظیم شعائر اسلامی و تحریم محرماتی چون ارتداد، کتب ضاله و بدعت، برای خود مصونیتی تولید می‌کنند تا از آسیب، تعرض و تهدیداتی همچون استحاله دین و ارزش‌های دینی، بسط مفاسد اخلاقی و اجتماعی در امان بماند تا به وضعیت فرهنگی مطلوب و معرفی شده در اسلام دست یافته و یا وضعیت موجود را حفظ نمایند (پیشین). موضوع حجاب اختلافاتی را بین صاحب‌نظران و علمای چپ و راست به وجود آورده و به یک شکاف و مشکل اساسی بین مردم و حاکمیت تبدیل شده و آسیب‌هایی را به همراه داشته است. همچنین به دلیل رواج اندیشه‌های حقوق بشری مانند آزادی قلم و اندیشه بر سر ارتداد و کتابهایی که در تعارض

با شرع هستند، نه تنها بین صاحب‌نظران در داخل اختلاف وجود دارد بلکه یک تنش را در سطح بین‌المللی و با کشور ایران ایجاد کرده است. از این‌رو گفتمان تهاجم فرهنگی به عنوان گفتمانی در واکنش به فرهنگ غرب در عرصه‌ی سیاسی - اجتماعی ظهور کرد ولی همواره باعث کشمکش‌هایی بین کنشگران در دوره‌های مختلف شد که در ادامه به تاثیرگذاری آن در عرصه‌ی حقوقی و به ویژه جرم‌انگاری می‌پردازیم.

۲. امنیت فرهنگی و تلاش کنشگران ایرانی فرهنگ در ادوار گوناگون برای

جرم‌انگاری

مبارزاتی که به امنیت شکل می‌دهد می‌تواند در نتیجه‌ی کشمکش میان میدان‌های متخصصین و کنشگران امنیت باشد. امنیتی کردن متاثر از عادت‌واره‌های مختلفی است که به طور فزاینده‌ای توسط میدان‌های مختلف اجتماعی تعریف می‌شود. طبق این دیدگاه نمی‌توان نتیجه این روند را از منظر خواست یک کنشگر حتی کنشگر مسلط تلقی کرد. کنشگران هرگز نتایج نهایی حرکتی که انجام می‌دهند را، نمی‌دانند، زیرا نتیجه به تاثیرات میدانی بسیاری از کنشگران بر سر تعیین نوع امنیت بستگی دارد (ابراهیمی، ۱۳۹۲، ص ۱۸، ۱۹). در ایران این کنشگران به طور کلی شامل مقامات سیاسی و مقامات امنیتی هستند که می‌توانند موضوعی را به عنوان ضد امنیت مطرح کنند و برای آن قائل به راهکارهایی شوند. ذهن این کنشگران متاثر از مولفه‌های فرهنگ راهبردی خاصی است و از دید خاصی به موضوع می‌نگرند که می‌تواند برداشت آنها را از موضوع متفاوت سازد. اسلام شیعی نقش اساسی در فرهنگ راهبردی ایران ایفا می‌کند و یکی از مهمترین دریچه‌های فرهنگی است که از طریق آن سیاستمداران ایرانی، دیدگاه‌های خود را نسبت به نظام بین‌الملل بیان می‌کنند. این مولفه محصول بررسی طیف وسیعی از تجربیات و واقعیت‌های عملی ایرانیان و خاطرات باشکوه ایرانیان است که از اجداد خود به ارث برده‌اند. از سوی دیگر، خاطرات تاریخی ایران مملو از نفوذ کشورهای خارجی و آسیب‌های آن برای کشور است. بنابراین عوامل تاریخی در درک ایرانیان تاثیر می‌گذارد. یکی دیگر از منابع

فرهنگ راهبردی ایران نظام بین‌الملل است. ایران در حال حاضر خود را در یک محیط خصومت‌آمیز با نظام بین‌الملل مشاهده می‌کند که این موضوع در فرهنگ راهبردی مردم و مسوولان تأثیرگذار است (سلیمی، حجازی، ۱۳۹۹، ص ۱۵-۱۷). حال با لحاظ مولفه‌های فرهنگ راهبردی ایران و نوع دیدگاه‌های کنشگران به بررسی مواضع فرهنگی آنها در برابر جهانی شدن می‌پردازیم.

۱-۲- نقش ایجابی گفتمان تهاجم فرهنگی بر جرم‌انگاری (۱۳۶۸-۱۳۷۶)

در سال ۱۳۶۸ آیت‌الله خامنه‌ای در حالی به رهبری ایران انتخاب شدند که بلوک غرب با استفاده از رسانه‌ها فرهنگ خود را در سراسر جهان تبلیغ می‌کرد و کشور ایران ایدئولوژی و بنیاد فرهنگی خود را در معرض خطر «شبیخون فرهنگی»، «غارت فرهنگی» یا «قتل عام فرهنگی» می‌دید و آنرا نمی‌پذیرفت و این موجب طرح گفتمان تهاجم فرهنگی شد. از نظر مقام رهبری، نقطه‌ی آغاز تهاجم فرهنگی بعد از جنگ نظامی است که غرب نتوانست کشور را شکست دهد و دست به تهاجم فرهنگی زدند. ایشان هدف مستقیم تهاجم فرهنگی را اسلام و جوانان و هدف غیرمستقیم را انقلاب می‌داند، که می‌خواهند با دور کردن جوانان از اسلام و تعصبات دینی انقلاب را شکست دهند. راههای نفوذ آنها نیز چاپ کتاب، تولید فیلم و ویدیوی مستهجن و تبلیغات رسانه‌ای است. ایشان علاوه بر مقابله از طریق رسانه‌ها، برنامه‌ریزی از طریق برنامه پنج‌ساله دوم و اقدام شورای عالی انقلاب فرهنگی و پشتیبانی دولت یکی از تدابیر مقابله با این فرهنگ را قانون‌گذاری می‌داند و می‌فرمایند: «وضع قوانینی در جهت رشد فرهنگی و سالم‌سازی فضای فرهنگی و اخلاقی جامعه از موضوعاتی است که باید در اولویت کار مجلس قرار گیرد (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۷۱، جلسه: ۱ ص ۱۹).

دومین دیدگاهی که در این دوران مطرح بود، قبول تهاجم فرهنگی و دفاع مبتنی بر عدم ممنوعیت است که هاشمی از طرفداران آن بود. هاشمی بر روی دو مسئله اصرار دارد، یکی مسئله نگرهبانی از ارزشها و جلوگیری از نفوذ عوامل بیگانه در محیط صاف و زلال فرهنگ اسلامی و دوم تاکید بر سازندگی و کار خلاق برای مصون گذاشتن درون از آثار تهاجمات ناروا. او اذعان می‌کند که مورد دوم سخت و اولی خیلی آسان است، چون بیشتر کارها به

حالت جلوگیری و قدغن کردن و برخورد منفی است در حالی که دیگر هیچ قدرتی نمی-تواند جلوی امواج را بگیرد (مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۷۱، جلسه: ۱۷، ص ۱۹). ایشان در سال ۱۳۷۲ معتقدند راه مبارزه با تهاجم فرهنگی جمع‌آوری آنتن‌های ماهواره‌ای نیست، چرا که یک روز احتمال دارد که برنامه‌های فرهنگی غرب، بدون آنتن قابل پخش باشد و باید در برنامه‌های فرهنگی داخلی جذابیت ایجاد کرد و تفریحات سالم به وجود آورد (گرامیان و پورقوشچی، ۱۳۹۴، ص ۱۴۷). یکی از اقدامات هاشمی آزادسازی ویدئو بود. وزیر فرهنگ ایشان می‌گوید: «وقتی من طرح راه اندازی موسسه رسانه‌های تصویری را به شورای عالی انقلاب فرهنگی بردم مخالفت‌هایی شد ولی هاشمی دفاع کردند و ویدئو آزاد شد (لاریجانی، مشرق نیوز، کد خبر: ۸۳۶۲۱۵). بدین ترتیب هاشمی اگر چه به تهاجم فرهنگی اعتقاد دارد ولی به ممنوعیت رسانه و ماهواره اعتقاد ندارد.

سومین دیدگاه، نظریه تبادل فرهنگی بود که خاتمی به آن اعتقاد داشت و در دوران ریاست جمهوری خود با عنوان «گفتگوی تمدن‌ها» آن را مطرح کرد که به گفتمانی در عرصه‌ی بین‌المللی تبدیل شد و آن مخالف دیدگاه تهاجم فرهنگی بود. وی در سخنرانی ۱۰ / ۲ / ۱۳۷۰ خود در دانشگاه تهران معتقد بود: ... استراتژی فرهنگی ما نمی‌تواند بر منع قرار بگیرد ... و اینکه کسانی معتقدند که تنها مجاری انتقال افکار، کانال رسمی است و نباید هیچ اندیشه‌ی مخالفی در قالب کتاب، فیلم اجازه انتشار داشته باشد، شوخی است؛ امواج رادیویی امروز و تصویری فردا این انتقال را امکانپذیر می‌کند (خاتمی، پایگاه خبری-تحلیلی شیرازه، کد خبر: ۲۹۷۰۷). نمود این تفکر سازگار با اسلام را در اصل ۱۵۲ ق.۱ می‌توان دید که سیاست خارجی را بر نفی هر گونه سلطه‌جویی و سلطه‌پذیری و حفظ استقلال در تمام جهات استوار کرده است و در اصل ۱۵۳ هر گونه قرارداد که موجب مسلط شدن بیگانگان بر فرهنگ گردد را ممنوع دانسته است؛ یعنی بستن قرارداد با بیگانگان در حوزه فرهنگ که موجب سلطه نگردد را مجاز دانسته و این همان تبادل فرهنگی است.

در سال ۱۳۶۷ مجلس سوم روی کار آمد که جناح چپ حاکم بر آن بود و جناح راست، اقلیت قدرتمندی را در مجلس تشکیل می‌داد و هاشمی از جناح اقلیت ریاست آن را بر عهده داشت و در سال ۱۳۶۸، بعد از انتخاب به عنوان رئیس جمهور، ریاست آن را کروی‌بی از

جناح چپ بر عهده گرفت. این مجلس در مورد هشدارهای مقام رهبری در رابطه با تهاجم فرهنگی بی‌اعتنا بود زیرا اکثریت آن در دست جناح چپ بود که با خاتمی هم جناح بوده و عقیده‌ای به تهاجم نداشتند، به علاوه شعارهای مجلس مزبور اقتصادی و با گفتمان اقتصادی هاشمی همراه و تقویت شد. همچنین هاشمی که اکنون سکان قوه اجرائی را در دست داشت و از نفوذ در بین جناح اقلیت و اکثریت مجلس برخوردار بود، اگرچه به تهاجم فرهنگی معتقد بود ولی ممنوعیت را بر نمی‌تافت.

با شروع کار مجلس چهارم، جناح چپ از سیاست دور ماند و بر آن جامعه روحانیت مبارز حاکم شد، شعار گروه حاکم، قبل از این «پیروی از خط امام، اطاعت از رهبری و حمایت از هاشمی» بود (صدرا، خبر آنلاین، ۱۳۹۰/۰۴/۰۲). رئیس مجلس در این دوره می‌گوید: آنچه در دو سال گذشته خاطر رهبری را آزرده کرد و هشدارهای متعددی را در این رابطه دادند، تهاجم فرهنگی به انقلاب است که باید به ایشان لبیک گوئیم (مشروح مذاکرات مجلس ۱۳۷۱: جلسه: ۱۴، ۲۲). بدین ترتیب از سال ۶۸ و با طرح موضوع جهانی شدن، دیدگاه تهاجم فرهنگی به دلیل وجود گفتمان تبادل فرهنگی و تهاجم فرهنگی که قائل به ممنوعیت نبود عملاً زمین‌گیر بود ولی در سال ۷۱ و با تغییر کنشگران این گفتمان پیروز و فضا برای وضع قوانین فرهنگی فراهم شد.

مجلس متأثر از دیدگاه حاکم این دوران مبنی بر مقابله فرهنگی، راهکار مورد نظر مقام رهبری را در زمینه‌ی قانون‌گذاری در پیش گرفت و در تامین ابزارهای لازم آن بر آمد به عنوان مثال نمایندگان مجلس طرح مربوط به ماهواره را تنظیم و بر این اعتقاد شدند که آن یک طرح فرهنگی و به منظور دفاع و حفظ فرهنگ اسلامی است زیرا از این ابزار، استفاده غیرفرهنگی می‌شود و حساسیت مجلس بر روی آنتن‌های ماهواره به دلیل ترس از نفوذ فرهنگ غرب به فرهنگ اسلام است (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۳، جلسه ۲۷۸، ۲۲). بر این مبنا مجلس مزبور قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره را وضع کرد و مقام رهبری نیز تایید کرد که «... مجلس در مسائل گوناگون - مثل مساله فرهنگی ماهواره - غایب نیست» (سایت رهبر انقلاب، بیانات مورخ ۱۳۷۴/۰۳/۰۸).

قانون مزبور در ماده ۸، وارد کردن، تولید کردن و توزیع کردن، در ماده ۹ استفاده کردن، حمل، نگهداری، نصب و تعمیر تجهیزات استفاده از ماهواره را مورد جرم‌انگاری قرارداد. قانون دیگری که تحت تاثیر نظریه تهاجم فرهنگی در سال ۱۳۷۲ تصویب شد، قانون نحوه-ی مجازات اشخاصی است که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند. نمایندگان دلیل یک فوریت طرح را موضع‌گیری‌های مقام رهبری دانسته و معتقد بودند که تهاجم فرهنگی یک جریان سیاسی است و استراتژی دفاعی ما این است که در رابطه با تهاجم فرهنگی موضع‌گیری مناسبی داشته باشیم (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی ۱۳۷۲، ۱۴۶: ۳۲-۳۳). در نهایت قانون اخیر در ۵ ماده تصویب شد و جرایم جدیدی برای مقابله با تهاجم فرهنگی پیش‌بینی کرد. به موجب این قانون مبادرت به هر گونه اعمالی برای معرفی آثار سمعی و بصری غیرمجاز به جای آثار مجاز و یا تضییع حقوق صاحبان اثر - عدم اخذ مجوز از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای هر گونه فعالیت در زمینه تولید، توزیع، تکثیر و عرضه‌ی نوارهای صوتی و تصویری - عوامل تولید، توزیع، تکثیر و دارندگان آثار سمعی و بصری - تهیه و توزیع و تکثیرکنندگان نوارها و دیسک‌های شو و نمایش‌های مبتذل - استفاده از صغار برای نگهداری، نمایش، عرضه و فروش و تکثیر نوارهای غیرمجاز مورد جرم‌انگاری قرار گرفت.

با اینکه تهاجم فرهنگی در این دوران نقش ایجابی بر جرم‌انگاری داشت، در بحث بعدی سرنوشت این گفتمان را در رابطه با روی کار آمدن اصلاح طلبان و نقش آن بر جرم‌انگاری پی می‌گیریم.

۲-۲- چالش گفتمان تهاجم فرهنگی با تبادل فرهنگی (۱۳۷۶ - ۱۳۸۴)

در سال ۱۳۷۶ و با پیروزی جناح موسوم به اصلاح طلب، فضای سیاسی جامعه متحول شد ولی گفتمان تهاجم فرهنگی دچار افول نشد و بر این اعتقاد بود که غرب در تهاجم همه‌جانبه‌ی خود، ایمان و خصائل اسلامی را هدف گرفته و فرهنگ اباچیگری و بی‌مبالاتی در دین و اخلاق را مصرانه به جوامع صادر می‌کند و در تمام قضایا می‌کوشد به باورها و ارزش‌های فرهنگی ملت وارد شود. گفتمان مزبور که مورد حمایت رهبری است، امواج صوتی و تصویری حامل ابتذال را بدتر از کشتی‌های جنگی می‌داند و اعتقاد دارد که در

تمام عالم نسبت به شخصیت پیامبر اسلام (ص)، تهاجم فرهنگی مشاهده می‌شود و امروزه صدها سایت اینترنتی وجود دارد که هدفشان تهاجم به تفکرات اسلام شیعی است و یکی از اهداف تهاجم رسانه ای هستیم که می‌خواهند ایران را اندلسی کنند. از این رو مولفه‌ی فرهنگ راهبردی این گفتمان، اسلام شیعی است که دشمنان می‌خواهند این تفکر را از بین ببرند و بر حکومت اسلامی همان سرنوشتی را حاکم کنند که تهاجم فرهنگی کلیسا در اندولس به فرجام رساند. بدین ترتیب نقش فرهنگ و هنجارهای داخلی بر ذهن بازیگران این گفتمان مشهود و حرکت به سوی خودیاری آشکار است.

اما گفتمان اصلاحات، گفتمان دیگری است که در این دوران حاکم است و نشانه‌های مردم سالاری اسلامی مانند توسعه سیاسی، توسعه جامعه مدنی، دولت دینی به جای دین دولتی، ولایت فقیه، حقوق و آزادی‌های فردی، حقوق شهروندی، باور به برداشت و خوانش ملائیم از دین، فقه پویا، گفتگوی تمدن‌ها، ارتباط با جهان و به ویژه غرب، جریان آزاد اندیشه، رسانه و دولت و جامعه مقتدر در دوره‌ی اول خاتمی به اطراف «جمهوریت» نظام یا همان مفهوم «مردم» نظم پیدا کرد (ایزدی، رضایی پناه، ۱۳۹۲، ص ۶۲). همان طور که ملاحظه می‌شود، برنامه‌های دولت در عرصه‌ی داخلی بر دخالت کمتر در جامعه مدنی، تاکید بر رسانه‌ها و تضاد با تهاجم فرهنگی است و در سطح خارجی بر همراهی با نظام بین‌الملل و غرب است. در واقع مولفه‌های فرهنگ راهبردی آن اسلام شیعی با خوانش ملائیم است و نگاه خوش‌بینانه به نظام بین‌الملل دارد.

مجلسی که در اثر فضای بعد از پیروزی اصلاح‌طلبان در دوم خرداد ۱۳۷۶ به وجود آمد، اکثریت آن در دست اصلاح‌طلبان بود و فراکسیون دوم خرداد در آن تشکیل شد. «ریشه‌های گفتمان کنترل اجتماعی نوگرایی دینی را می‌توان از گفتارهای روشنفکری بعد از دوم خرداد ۷۶ و در نظریاتی مانند» راهبرد آرامش فعال، فشار از پایین و چانه‌زنی از بالا و سناریوی تشدید تضادها مشاهده کرد (زاهدی و دیگران، ۱۳۹۴، ۵۱-۵۲). مفصل‌بندی گفتمان اصلاحات از دل دال مرکزی در کنار دال قانون، آزادی، جامعه مدنی و توسعه سیاسی تشکیل شده است. این گفتمان با توجه به دال‌های آزادی و جامعه مدنی احیا کننده مفاهیم تجددگرایی در گفتمان انقلاب است. خط مشی و الگوی گفتمان اصلاح‌طلبان

مجلس ششم خواهان این بود که تغییرات تدریجی به صورت قانونی و مسالمت آمیز باشد) حبیبی، صدیق، کشیشیان، ۱۳۹۸، ۲۲۷ - ۲۲۸).

در این دوران بر قوه‌ی مجریه و مجلس گفتمان ترمیم حاکم شد که از دل گفتمان اصلاح-طلبی سر برآورد. «گفتمان ترمیم علاوه بر فقه پویا، بنیانی حقوقی مبتنی بر قانونگرایی و جامعه مدنی دارد. این گفتمان به حقوق شهروندی و قانون‌گرایی در قالب شفاف‌سازی و تحدید قانونی نهادهای کنترل اجتماعی از جمله نهادهای امنیتی و قضایی و تضمین امنیت اجتماعی تاکید دارد و به جای عنصر سلبی و ممنوعیت از رویکرد درمان و توانبخشی و عنصر تعامل با کشورهای جهان در مقابله با جرایم استفاده می‌کرد» (پیشین، ۵۷ - ۵۸).

وزارت ارشاد این دوران که از دیدگاه لیبرال و موافق غرب استقبال می‌کرد، سیاست دولت را تساهل معرفی کرد و بر این نظر بود که تساهل در برابر احکام و اصول نیست بلکه به معنی آن است که نظرات مختلف و مخالف در حوزه‌های مختلف فرهنگ، سیاست، و اقتصاد بیان گردد (مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۹۴/۱۲/۰۸، کد خبر ۱۷۵) ولی از نظر برخی مخالفین جریان حاکم مانند مهدوی کنی «تسامح در برابر تهاجم فرهنگی گناه بزرگی است...» (گرامیان، پور قورشچی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۴). عدم اعتقاد وزیر ارشاد به تهاجم فرهنگی مورد اعتراض مقام رهبری قرار گرفت و در مورد ایشان فرمود: اعتراض من به وزارت ارشاد این است که در طی این دو سالی که ایشان در راس کار هستند هیچ کار اسلامی نشده است (سایت رهبر انقلاب، بیانات مورخ ۱۳۷۸/۰۹/۲۳) که این اعتراض منجر به استعفای وزیر شد.

بنابراین در این دوران با اینکه مقام رهبری به تهاجم فرهنگی اصرار داشت ولی گفتمان غالب بر مجلس و قوه مجریه تهاجم فرهنگی نبود و برخلاف نظر مقام رهبری، اصلاح قانون ممنوعیت به‌کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره و همچنین قانون مطبوعات در دستور کار قرار گرفت که ناکام ماند؛ در واقع گفتمان تبادل به عنوان خنثی‌کننده‌ی گفتمان تهاجم فرهنگی در این دوران از امنیتی شدن موضوعات جلوگیری کرد و نقشی سلبی در

جرم‌انگاری مربوط به حوزه فرهنگی ایفا کرد. از این‌رو در بحث بعدی به مواجهه‌ی این گفتمان با گفتمان عدالت اجتماعی اصول‌گرایان و تاثیر آن بر جرم‌انگاری می‌پردازیم.

۳-۲ - تقویت گفتمان تهاجم فرهنگی با خرده گفتمان‌های اصولگرایی برای کنترل اجتماعی (۸۴-۹۲).

در این مقطع مهمترین چالش، از نظر مقام رهبری در ایران، آمریکاست. در این دیدگاه، غرب در هیچ یک از برنامه‌های تحریم اقتصادی و فرهنگی خود به جایی نرسیده است ولی تهاجم فرهنگی با استفاده از ابزارها و فناوری‌های جدید ارتباطی خیلی جدی است. گفتمان سیاسی دولت نهم و جدید از مفصل‌بندی برخی نشانه‌های گفتمان انقلاب و گفتمان دهه شصت است. در بین نامزدها احمدی‌نژاد بر ولایت فقیه تاکید بیشتری داشت و تهاجم فرهنگی را جدی‌تر می‌گرفت. ایشان به عنوان یکی از طراحان انقلاب فرهنگی با انتخاب به ریاست جمهوری و نشستن بر کرسی رئیس شورای عالی انقلاب فرهنگی، فرصتی به دست آورد تا پروژه ناتمام انقلاب فرهنگی را با حاکمیت گفتمان و نوع نگاه اصول‌گرایی و شعار رجعت به دهه ۶۰ و ارزشهای انقلاب اسلامی عملیاتی کند. بر همین اساس بود که برخی ززمه‌ی «انقلاب فرهنگی دوم» را سر دادند (پور علی، فیرحی، ۱۳۹۴، ۱۴۰ - ۱۴۲). برنامه‌های مدیریت داخلی دولت نهم شامل: مدیریت ناب اسلامی، عدم مقبولیت لیبرالیسم فردگرایانه لذت‌جویانه، توجه به ویژگی‌های انقلابی، تاکید بر خدا محوری، توسل به دیدگاه اصیل اسلامی و انقلابی، حاکمیت نگاه انقلابی بر دستگاه اجرایی، تاکید بر انجام تکالیف دین، پی‌ریزی یک کشور نمونه اسلامی، حاکمیت اسلام و مردم‌سالاری دینی (حاضری و وزیری، ۱۳۹۲، ۵۲)، احیای تمدن اسلامی (خانی، ۱۳۹۶، ۱۸۲)، تهاجم فرهنگی (ایزدی، رضایی پناه ۱۳۹۲، ۶۶) و توجه به جایگاه ویژه خانواده برای اعتلای جامعه، پیشگیری از وقوع بزهکاری‌های اجتماعی، بی‌بند و باری و جرایم اجتماعی و صیانت از خانواده است (برنامه دولت نهم، جام جم آنلاین، مورخ ۱۳۸۴/۰۵/۲۵). برنامه‌های دولت نهم در سطح داخلی بر دخالت بیشتر در جامعه مدنی و همراهی با گفتمان تهاجم فرهنگی و در سطح خارجی بر عدم همراهی با غرب و نگاه

بدبینانه به آن است. در واقع مولفه فرهنگ راهبردی آن اسلام شیعی با خوانش تند، نگاه بدبینانه و امنیتی به نظام بین الملل است.

دولت احمدی نژاد در صدد مقابله با جهانی شدن فرهنگی است و به گسترش فناوری های ارتباطاتی نقد دارد و در عین حال فناوری های اطلاعاتی را ابزار سلطه غرب بر سایر بخش های جهان می دانست تا فرهنگی واحد را برای جهان رقم بزند (محمودی رجا، امام جمعه زاده، باقری، ۱۳۹۵، ۱۵۰-۱۵۱). ایشان در دوران انتخابات ریاست جمهوری و در دوره ی اول ریاست جمهوری، موضوع تهاجم فرهنگی را مرتب تکرار می کرد و در ۱۵ خرداد ۱۳۸۴ با حضور در شبکه دو سیما گفت: «متأسفانه طی سال های اخیر مدیریت فرهنگی کشور در جهت تهاجم فرهنگی حرکت کرد و با اعطای جایزه به ابتدال، فضا را برای انسان های ارزشی تنگ کرد» (فرخی، جهانگیری، ۱۴۰۰، ۱۲۰). از این رو رئیس جمهور ضدیت خود را با گفتمان تبادل فرهنگی و فرهنگ غرب نشان داد و آن ها را رواج دهنده ابتدال در جامعه معرفی کرد. وزارت ارشاد این دولت نیز همچون مقام رهبری، بر تهاجم فرهنگی تاکید می کند (مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۸۴، جلسه: ۱۳۸، ۷۴-۷۵؛ مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۸۸، جلسه: ۱۲۲، ۲۹) و با توجه به نزدیک تر بودن نظرات رئیس جمهور وقت با نظرات رهبری، بر این باوریم که دولت نهم به تهاجم فرهنگی مبتنی بر ممنوعیت معتقد بود.

با شروع مجلس هفتم، استفاده از واژگان و عباراتی همچون برقراری عدالت اجتماعی، توجه به محرومان، پیشگیری از تهاجم فرهنگی که از طریق برخی نمایندگان اقلیت در مجلس ششم مطرح شده بود رواج یافت (شفیع پور، رجبلو، مهرانی، ۱۴۰۰، ۲۱۷-۲۱۸). در این دوران اصول گرایی نوینی که با اصول گرایی سنتی تفاوت زیادی داشت، مطرح گردید که در بعد فرهنگی و مذهبی با برگشت به سنت ها و عدم تحمل نوآوری در این حوزه، تعریف می شود و در بعد سیاست خارجی به عدم اعتماد به جهانی شدن و عدم سازش پذیری در برابر ابرقدرتها استوار است. این جریان بعداً در انتخابات ریاست جمهوری با روی کار آمدن دولت اصول گرای نهم که از گفتمان عدالت و پیشرفت طرفداری می کرد، تکمیل شد. با آغاز این مجلس به علت بسته شدن سوپاپ اعتراض های مدنی، جرایم سیر صعودی به خود گرفت (زاهدی و دیگران، ۱۳۹۴، ۵۳-۵۴). بدین ترتیب قوه مجریه و مقننه در این

دوران دارای گفتمان رجعت ارزشی بودند. این گفتمان بازگشت به ارزشهای دهه اول انقلاب را در مباحث کنترل اجتماعی که بر مجازات و ورود جرایم شرعی به نظام حقوقی ایران بود، مورد توجه قرار داد و بسیاری از پیشنهادها گفتمان ترمیم را رد کرد (همان: ۵۸).

در این دوران کنشگران به طور کامل به تهاجم فرهنگی اعتقاد داشتند و فیلم‌ها و عکسهای مستهجن که از خانواده‌ها و افراد مشهور در سطح جامعه بود را تهاجم فرهنگی می‌دانستند و در جهت مقابله با آن قدم برداشتند. نمایندگان مجلس در نامه‌ای خطاب به رئیس قوه قضائیه وقت اظهار داشتند که تحرکات وسیع در جهت تهیه و توزیع سی دی و نوارهای ویدئویی امنیت روانی و عاطفی خانواده‌های ایران را به خطر انداخته است و تقاضای اشد مجازات را برای آنها و عوامل زورگیر نمودند تا توطئه‌ی دشمنان در جهت تحقق ناتوی فرهنگی خنثی گردد (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵، جلسه: ۲۸۱، ۲۷).

بدین ترتیب، طرح قانون نحوه‌ی مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند سه روز پس از قرائت نامه در مجلس مطرح گردید و یکی از نمایندگان، آن را طرحی معرفی کرد که «به ناموس ملی، حیثیت خانواده‌ها و کیان، عفت و جایگاه ارزشی خانواده‌ها کمک می‌کند» (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۸۵، جلسه: ۲۸۳، ص ۱۳). در طرح مورد نظر بر حفظ امنیت فردی خانواده‌ها از حیث روانی و تهاجم فرهنگی که تهدیدی علیه امنیت اجتماعی است، تاکید شده است و راهبردهای مورد نظر رئیس جمهور وقت در مقابله با تهاجم فرهنگی و پیشگیری از بی‌بند و باری و صیانت از خانواده‌ها، با راهبردهای مورد نظر مقام رهبری قرابت بسیار داشت.

در نهایت در قانون مذکور، رفتارهایی مانند سوء استفاده از آثار مبتذل و مستهجن تهیه شده از دیگری و تهدید وی به افشاء و انتشار آثار مزبور، وسیله‌ی تهدید قرار دادن آثار مستهجن به منظور سوء استفاده جنسی، تهیه فیلم یا عکس از محل‌های اختصاصی بانوان یا تکثیر و توزیع آن، تهیه مخفیانه فیلم یا عکس مبتذل از مراسم خانوادگی دیگران و تکثیر و توزیع آن یا اقدامات ماموران صلاحیت‌دار و ضابطان دادگستری که بنابر اقتضاء شغلی آثار مستهجن در اختیار آنها قرار گرفته و با سوء نیت یا برای استفاده مالی مبادرت به انتشار آنها نموده اند، همچنین انتشار آثار مستهجن و مبتذل از طریق ارتباطات الکترونیکی یا

سایت‌های رایانه‌ای یا وسیله و تکنیک مشابه دیگر، جرم‌انگاری شد. دومین جرم‌انگاری که در این دوران متأثر از گفتمان تهاجم فرهنگی مورد توجه قرار گرفت، سب‌النبی بود که با توجه به نمونه‌های آن مانند کتاب آیات شیطانی و پخش کاریکاتور از شخصیت پیامبر، مورد تصویب قوه قانون‌گذاری قرار گرفت.

دولت دهم دال عدالت را برجسته‌تر از ولایت کرد و موعودگرایی سیاسی^۱ برجسته شد و در نتیجه ارتباط آن با روحانیت دچار تزلزل شد. برخی از مواردی که با نگاه خاص به ولایت و با گفتمان موعودگرایی سیاسی هم‌پوشانی دارد عبارتند از: طرح حاکمیت دوگانه، مولوی و ارشادی دانستن فرمان‌های مقام رهبری و احکام حکومتی و ارایه تقسیم‌بندی حکومتی و غیرحکومتی از فرامین مقام رهبری. دولت دهم توانست در اصول‌گرایی شکاف ایجاد کند و برخی رویکردهای آن از جمله در مورد مکتب ایرانیان، موضع‌گیری در ارتباط با روحانیت و مراجع، وضعیت فرهنگی جامعه، اطاعت از حکم ولی فقیه و حضور زنان در ورزشگاه‌ها را معارض با اصول‌گرایی قلمداد کنند (پورعلی، فیرحی، ۱۳۹۴، ۱۵۳-۱۵۴). پس از این، گفتمان غالب دولت دهم تغییر یافت و به سوی مدیریت مشترک جهانی حرکت و بیشتر سخن از تعاملات و گفتگو و ارتباطات فرهنگی متمرکز شد. رئیس‌جمهور در یکی از سخنرانی‌های خود می‌گوید: «ایران همیشه با فرهنگ و اندیشه با دنیا سخن گفته است»؛ مشاور فرهنگی ایشان نیز در خصوص استفاده از ماهواره می‌گوید: «(گرامیان، پورقوشچی، ۱۳۹۴، ص ۱۵۹) مقام رهبری در انتقاد از دولت دهم می‌فرماید» (سایت رهبر انقلاب بیانات مورخ ۱۳۹۱/۰۶/۰۲) اما دولت دهم اعتقادی به ممنوعیت ندارد و برنامه‌های مقام رهبری را هم دنبال نمی‌کند. این چرخش گفتمان دولت دهم موجب

۱. موعودگرایی سیاسی... در اسلام بر اساس آموزه‌ی «مهدویت» شکل گرفته است که با سه مفهوم کلیدی غیبت، انتظار و رجعت پیوند دارد. این جریان توانست در انتخابات ۱۳۸۴ پست ریاست جمهوری را به دست آورد و در دوره‌ی بعد هم مانع انتقال قدرت به گروه‌های دیگر شود، این گروه، اندیشه‌ی تاسیس حکومت دینی را دارد و اداره‌ی جامعه بر اساس دین را به عنوان مقدمه‌ی ظهور مطرح می‌کند. اعتقاد به اینکه تاریخ در حال نزدیک شدن به پایان خود است، تاکید بر اسلام آیینی به جای اسلام فقه‌ای و اخلاقی، عدم اعتقاد به علوم حوزوی، توجه به علوم غربیه و پیشگویی و پیش‌بینی و اعتقاد به اعمال تسریع بخش از اصول آن است (میر موسوی، مرجع ما، کد خبر: ۱۳۹۴۵۵۴۴۳۹).

اختلاف شدیدی بین مجلس اصول‌گرا (هشتم و نهم) و رهبری با دولت شد و خیلی از وقت دو قوه صرف بررسی این اختلافات گردید و گفتمان تهاجم فرهنگی به دلیل عدم همراهی دولت، پیگیری نشد و بنابراین شاهد جرم‌انگاری جدیدی در حوزه‌ی فرهنگی نبودیم. رئیس قوه قضائیه نیز در این دوران در مورد تهاجم فرهنگی می‌گوید: «(لاریجانی، خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر: ۶۱۲۹۹۸۱)». ایشان به تهاجم فرهنگی مبتنی بر عدم ممنوعیت عقیده دارد و در نتیجه قوه قضائیه بانی لایحه‌ای برای جرم‌انگاری در حوزه فرهنگی نبود.

در قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز نیز که در ۱۳۹۲/۱۰/۰۳ تصویب گردید، قاچاق کالای ممنوع یا نگهداری، حمل یا فروش کالای ممنوع قاچاق، جرم‌انگاری شد و در تبصره ۴ آن تجهیزات دریافت از ماهواره و وسایل قمار و آثار سمعی و بصری مبتذل و مستهجن از مصادیق کالای ممنوع معرفی شد ولی این موارد با گفتمان تهاجم فرهنگی ارتباطی نداشت زیرا اصولاً قانون مزبور به مبارزه با قاچاق کالا و ارز ارتباط دارد که وفق بند ب ماده ۱۰۹ ق. م. ا. و ماده ۵۸ همین قانون از مصادیق جرایم اقتصادی است و قاعدتاً کاستی قانون ممنوعیت به کارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره یا قانون امور سمعی و بصری باید با اصلاح همین قوانین رفع می‌شد.

نامگذاری سال جهاد اقتصادی و فرمان مقام رهبری در ۱۳۸۹/۰۴/۱۲ [در مورد مبارزه با قاچاق کالا]، بند ب ماده ۲۰۷ قانون برنامه پنجم توسعه در مورد تهیه لایحه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، الزاماتی دارد که یکی از آنها تصویب قانون مورد نظر بود که قاچاق سازمان یافته را وارد جنگ اقتصادی کرده و این در حالی است که تحریم‌های خارجی می‌خواهند به نظام اسلامی ضربه بزنند. میزان و حجم کالاهای قاچاق و آثار زیانبار آن در زمینه‌های اقتصادی، تجاری، فرهنگی، اجتماعی، بهداشت و سلامت عمومی که باید از آن به جنگ اقتصادی نام برد، از دلایل فوریت لایحه قلمداد می‌شود (مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۰، جلسه: ۲۲، ۲۳)، لذا قانون مزبور با رویکرد غالب اقتصادی، و نه فرهنگی تدوین شد.

بدین ترتیب بعد از همراهی و چالشی که گفتمان عدالت اجتماعی برای گفتمان تهاجم فرهنگی ایجاد کرد به بررسی نقش گفتمان تهاجم فرهنگی در رویارویی با گفتمان عدالت و توسعه در رابطه با جرم‌انگاری می‌پردازیم.

۴-۲- تعدیل گفتمان تهاجم فرهنگی با مشی اعتدال (دوره ۱۳۹۲ تا ۱۴۰۰)

در این مقطع که با دوره ریاست جمهوری آقای روحانی آغاز می‌شود، مقام رهبری معتقد است ضعف حکومت‌های قبلی موجب انفعال در برابر فرهنگ غرب شده و دشمن از طریق فضای مجازی و تبلیغات ماهواره‌ای می‌خواهد به حصار فرهنگی ما وارد گردد لذا بر تدبیر آتش به اختیار تاکید و از اقدامات غرب به عنوان خشونت خاموش یاد می‌کند. در این دوران مقام رهبری همچنان بر تهاجم فرهنگی، پافشاری می‌نماید.

از نظر رئیس جمهور، فیلترینگ گسترده بی‌اعتمادی میان دولت و مردم را بیشتر می‌کند و تاکید می‌کند با شیوه‌های برخورد خشن با استفاده کنندگان از ماهواره مخالف هستیم و در عصر دیجیتال در قرنطینه نمی‌توان زندگی و حکومت کرد (روحانی، پایگاه تبیان، مورخ ۱۳/۰۴/۱۳۹۲). ویدئو اثر منفی نگذاشت، با ماهواره در بالکن‌ها و پشت‌بام‌ها مبارزه کردیم ولی موثر نبود. باید برای مقابله با تهاجم فرهنگی به ابزارهای مدرن مجهز شویم (روحانی، ۱۳۹۲). بنابراین روحانی نیز معتقد به تهاجم فرهنگی مبتنی بر عدم ممنوعیت است. رئیس مجلس که قبلاً در آزادسازی ویدئو تاثیر گذار بود و به عنوان فردی میانه‌رو ریاست مجلس اصول‌گرا و اعتدال‌گرا را بر عهده داشت می‌گوید: «متأسفانه وضع فعلی ما در سبک زندگی معجونی از سبک زندگی اسلامی در حیات غربی است و باید با توجه به فلسفه حیات اسلامی آن را احیا کرد» و «عامل انحطاط یک جامعه به امر درونی مربوط است نه تهاجم خارجی» (لاریجانی، پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، کد خبر ۶۶۱۷۸۳). با توجه به سوابق ایشان و همچنین اشاره به فلسفه اسلام که به تبادل فرهنگی اشاره دارد و اینکه عامل انحطاط را امر داخلی می‌داند نه خارجی نتیجه می‌گیریم که اعتقادی به تهاجم فرهنگی ندارد.

به باور برخی مقامات اجرایی، اعتدال در پی تعامل سازنده با فرهنگ جهانی در عصر جهانی است. اصول گفتمان فرهنگی اعتدال را پذیرش تنوع فرهنگی، گسترش و تعمیق

گفت و شنودهای فرهنگی، مدارا و تساهل است (جنتی، خبرآنلاین، کد خبر: ۳۰۷۳۷۲) و مولفه فرهنگ راهبردی آن، اسلام شیعی با خوانش ملایم است که عقیده‌ای به تهاجم فرهنگی ندارد اما با تأثیرپذیری از برخی فشارها، گفتمان اعتدال، استواری خود را بر مبنای عدالت، عقلانیت و دیانت فرهنگی می‌داند که از کار سیاسی پرهیز می‌کند و بر این باور می‌شود که سیاستمداران باید از بازی فرهنگ خارج شوند (صالحی امیری، هنر آنلاین، کد خبر: ۸۹۴۸۳). به بیانی دیگر گفتمان تهاجم فرهنگی با تاکتیک اعتدال‌گرایی همراه می‌شود تا از تندی آن بکاهد و از سیاسی کردن موضوعات فرهنگی اجتناب شود. قانون اصلاح موادی از قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز که در سال ۱۳۹۴ تصویب شد و تبصره ۴ ماده ۲۲ قانون مزبور، قاچاق و ساخت تجهیزات دریافت از ماهواره را از زمره اقلام کالای ممنوع معرفی کرد که برخی از نمایندگان مجلس در مخالفت با آن سخن گفتند و برای جبران کاستی قانون، اصلاح قانون ماهواره‌ها را پیشنهاد کردند (مشروح مذاکرات مجلس، ۱۳۹۴، جلسه: ۳۲۷ ص ۵). هدف از طرح قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز، مقابله با تهاجم فرهنگی نیست، بلکه تأثیر فرهنگ بر اقتصاد است. تجهیزات دریافت از ماهواره با دیدی اقتصادی وارد این قانون شد، دلیلی که این برداشت را تقویت می‌کند طرح الحاق ماده واحده‌ای به قانون تجهیزات دریافت از ماهواره در سال ۱۴۰۰ است. نهایتاً این که در این دوران با وجود پذیرش تهاجم فرهنگی، قوه مجریه که به سلطه این گفتمان اعتقاد ندارد، تلاش می‌کند تا از افراط پرهیز کند و با همراهی قوه قانون‌گذاری با دولت، شاهد جرم‌انگاری در حوزه‌ی فرهنگی نبودیم و گفتمان اعتدال با تعدیل گفتمان تهاجم فرهنگی، نقش سلبی خود بر جرم‌انگاری را ایفاء کرد.

برآمد

با توسعه‌ی رسانه‌ها و تبلیغ دستاوردهای فرهنگ غرب و سرعت‌گیری جهانی شدن فرهنگ، سیاستمداران و اندیشمندان کشور از آن‌رو که فرهنگ اسلامی را در معرض خطر قلمداد کردند، با توجه به مولفه‌های فرهنگ راهبردی ناشی از فقه امامیه و نگاه ویژه به نظام بین‌الملل، گفتمان تهاجم فرهنگی را مطرح کردند که وفق آن غرب، منشا جرم و انحراف است و باید با آن مقابله کرد. در مقابل برخی استقبال از فرهنگ غرب و تبادل با آن را تشویق می‌کردند و تنش بین کنشگران، فراهم شد. رصد تحولات نشان می‌دهد که گفتمان تهاجم فرهنگی در طول سال‌های متمادی یک گفتمان مستمر در عرصه‌ی سیاسی - اجتماعی ایران بوده است ولی گفتمانی پیروز نبوده است و ظهور گفتمان‌های نوین، موجب چالش یا تقویت آن شده است. در نتیجه تفوق یا عدم تفوق این گفتمان، در دوره‌ای که رویکردها و کنشگران جدید با آن وفاق داشتند، جرم‌انگاری‌های جدید در عرصه‌های فرهنگی را فراهم کرده است و در دوره‌ای دیگر با چالش مواجه شده است و در دوره‌ای دیگر به وسیله‌ی سایر گفتمان‌ها تعدیل شده و پیش‌بینی می‌شود که در آینده نیز همین سرنوشت را تجربه خواهد کرد زیرا جرم‌انگاری ناشی از خواست یک کنشگر نیست حتی اگر آن کنشگر مسلط میدان باشد و قوانینی که در اثر ایدئولوژی و صرفاً بر پایه توافق کنشگران سیاسی و امنیتی به حقوق ایران راه یافته و به مخاطب‌گرایی و خواست و اراده مردم توجه نشده است، در معرض ناکارآمدی و متروک ماندن قرار گرفته‌اند. به طور کلی جرم تولید ذهنیت، قدرت و گفتمان است و با توجه به این که گفتمان‌های مطرح توسط مقامات عالی نظام مانند رهبری و رئیس‌جمهور می‌تواند گفتمان‌های دیگر را تحت فشار قرار دهد، با اذعان به اینکه ایران یک کشور اسلامی است که در آن موضوعات فرهنگی اهمیت زیادی دارد، برای تمهید حمایت مناسب از یک گفتمان و برای رفع نیازهای جامعه و کنترل عوامل آسیب‌زا و ارائه طرح‌ها و لوایح قانونی کارآمد، لازم است گفتمان‌های مشابه تهاجم فرهنگی ابتدا در محافل علمی و تخصصی توسط صاحب‌نظران چارچوب‌سازی شده و قلمرو و مصادیق آنها مشخص شود و پس از آن متناسب با سیاست‌ها و راهبردهای تصویب شده، قانون‌گذاری شایسته صورت گیرد تا از جرم‌انگاری‌های ناپسند و عوامانه نیز پرهیز شود.

منابع و مأخذ

۱. ابراهیمی، ن، (۱۳۹۲) « بررسی مقایسه‌ای مفهوم امنیت در مکاتب متأخر امنیتی»، فصلنامه مطالعات راهبردی، سال ۱۷، شماره ۴، پیاپی (۶۶)، ۱۳۹۲.
۲. ایزدی، ر، رضایی‌پناه، ا (۱۳۹۲)، « مبانی اجتماعی و اقتصادی تحول در گفتمانهای سیاسی مسلط در جمهوری اسلامی ایران»، جستارهای سیاسی معاصر - پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال ۴، شماره ۴، ۱۳۹۲.
۳. برنامه دولت نهم، جام جم آنلاین (۱۳۸۴)، کد خبر ۷۲۷۳۲، ۲۵ / ۰۵ / ۱۳۸۴.
۴. پورعلی، س، فیرحی، د (۱۳۹۴)، « تحلیل گفتمان سیاستگذاران فرهنگی دولت نهم و دهم ج ۱۱، در حوزه آموزش عالی»، فصلنامه علمی - پژوهشی سیاستگذاری عمومی، دوره ۱، شماره ۴، ۱۳۹۴.
۵. پورمراد، ح، محمودنیا، ع (۱۳۹۹)، «فلسفه رسانه و نقش آن در تربیت اجتماعی با تاکید بر نظریه دریافت»، پژوهش‌های تربیتی، شماره ۲۱، ۱۳۹۹.
۶. جمشیدی، م، نوابخش، م (۱۳۹۵)، « بررسی مواجهه آیت‌الله هاشمی با ایزه آمریکا در دوره سازندگی از منظر تحلیل گفتمان»، نشریه مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال ۹، شماره ۱، ۱۳۹۵.
۷. جنتی، ع (۱۳۹۲) « متن کامل برنامه‌ی جنتی برای وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی»، خبرآنلاین، کد خبر: ۳۰۷۳۷۲، ۱۷ / ۰۵ / ۱۳۹۲.
۸. جوان شهرکی، م (۱۳۸۷)، « نقش جهانی شدن در گسترش بنیادگرایی دینی: مطالعه موردی القاعده»، راهبرد، شماره ۴۷، ۱۳۸۷.
۹. حاضری، ع، وزیری، م (۱۳۹۲)، «مقایسه برنامه داخلی سه کاندیدای پیروز انتخابات ریاست جمهوری ایران سید محمد خاتمی ۱۳۷۶، محمود احمدی‌نژاد ۱۳۸۴ و حسن روحانی ۱۳۹۲»، نشریه مطالعات سیاسی، شماره ۳۷، ۱۳۹۲.
۱۰. حبیبی، ا، صدیق، م، ا، کشیشیان، گ (۱۳۹۸)، «مقایسه تطبیقی دالهای گفتمان اصلاح‌طلبی و اصول‌گرایی در مجلس ششم و هفتم مجلس شورای اسلامی»، فصلنامه جامعه‌شناسی سیاسی ایران، سال ۲، شماره ۲، پیاپی (۶)، ۱۳۹۸.
۱۱. خاتمی، م (۱۳۸۴)، « تعامل اسلام و دنیای غرب زیر بنای گفتگوی تمدن هاست»، خبرگذاری مهر، کد خبر ۲۵۳۴۴۳، مورخ ۲۳ / ۰۸ / ۱۳۸۴.
۱۲. خاتمی، م (۱۳۹۱)، «سخنرانی سید محمد خاتمی که فریاد آوینی را در آورد»، پایگاه خبری - تحلیلی شیرازه، کد خبر: ۲۹۷۰۷، ۲۲ / ۰۱ / ۱۳۹۱.

۱۳. خانعلی پور و اجارگاه، س(۱۳۹۷)، «گفتمان‌های اثرگذار بر فرایند قانون گذاری، فصلنامه مجلس و راهبرد، سال ۲۵، شماره ۹۶، ۱۳۹۷.
۱۴. خانی، ح(۱۳۹۶)، «انتخابات نهمین دوره ریاست جمهوری و صورت‌بندی خرده گفتمان عدالت»، نشریه مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۵۰، ۱۳۹۶.
۱۵. روحانی، ح(۱۳۹۲)، « دیدگاه روحانی درباره فیلترینگ و ماهواره»، پایگاه تبیان، ۱۳/۰۴/۱۳۹۲.
۱۶. روحانی، ح، «سخنان روحانی درباره آزاد شدن فیس بوک و ماهواره / نگران نباشید»، جهان نیوز، کد مطلب ۱۶۷۰۳۶۰، ۲۷/۰۲/۱۳۹۲.
۱۷. زاهدی، م. ج، ملکی، ا، دانش، پ، محمدی، ع. م(۱۳۹۴)، «ساخت گفتمان‌های کنترل اجتماعی مجلس شورای اسلامی (مقایسه‌ی روند گفتمانی دوره‌های دوم، ششم و هفتم)»، مجلس و راهبرد، سال ۲۲، شماره ۸۴، ۱۳۹۴.
۱۸. زایر کعبه، ر، قرشی، ف، علیزاده اقدام، م. ب(۱۳۹۹)، «تحلیل زمینه‌های جامعه‌شناختی تحول گفتمان عدالت در دولت‌های خاتمی، احمدی‌نژاد و روحانی»، نشریه جامعه‌شناختی اقتصادی و توسعه»، سال نهم، شماره ۲، ۱۳۹۹.
۱۹. سایت رهبر انقلاب، دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای، قسمت بیانات.
۲۰. سلیمی، ح، حجازی، س. م(۱۳۹۹)، «چگونگی تاثیر فرهنگ راهبردی نخبگان سیاسی بر رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: تکوین نقش دولت رسالت محور»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، دوره نهم، شماره ۳۴، شماره پیاپی ۶۴، ۱۳۹۹.
۲۱. سمعانی، احمد بن منصور، سوره فرقان جزء ۴، محققین: یاسر بن منصور بن ابراهیم، غنیم بن عباس بن غنیم، کتابخانه الکترونیکی دیجیتالی تبیان.
۲۲. سینایی، و، محقر، ا، زمانی، س(۱۳۹۰)، « نقش سومین مجلس شورای اسلامی در سیاست‌گذاری، مطالعه موردی: برنامه اول و گذر به دوره سازندگی (۱۳۷۱-۱۳۶۷)»، پژوهشگاه علوم سیاسی، سال ۶، شماره ۳، ۱۳۹۰.
۲۳. شامبانی، ه، سلطانفر، غ(۱۳۹۶)، «تاثیر ایدئولوژی بر قبض و بسط حقوق کیفری»، فصلنامه تحقیقات حقوق آزاد، شماره ۳، ۱۳۹۶.
۲۴. شفیعی‌پور، س. م، رجب‌لو، ق. ع، مهرانی، ک(۱۴۰۰)، «برساخت مالی در گفتمان دولت و مجلس شورای اسلامی»، پژوهش‌نامه علوم انسانی پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ماه‌نامه علمی، سال ۲۱، شماره ۳، ۱۴۰۰.

۲۵. صالحی امیری، س. ر. (۱۳۹۵)، «اولین کارم ثبات و آرامش در عرصه فرهنگ است»، هنر آنلاین، کد خبر ۸۹۴۸۳/۰۸/۱۱، ۱۳۹۵/۰۸/۱۱.
۲۶. صدرا، ع. (۱۳۹۰)، «مجلس چهارم، مجلس راستی که چپ رفتار کرد»، خبر آنلاین، ۰۲/۰۴/۱۳۹۰.
۲۷. طباطبایی، ع، المیزان (سوره فرقان آیات ۴۱-۷۷)، ج ۱۵، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، کتابخانه دیجیتال تبیان.
۲۸. فرخی، ع، جهانگیری، ج. (۱۴۰۰) «گفتمان فرهنگی دولت نهم و دهم»، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، فصلنامه علمی (مقاله علمی - پژوهشی، شماره ۲، ۱۴۰۰).
۲۹. قانع‌راد، م. م. ا، ستوده، م. (۱۳۸۴)، «تحلیل گفتمان‌های فرهنگی جهانی شدن در ایران»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه خوارزمی، سال ۱۳، ۱۳۸۴.
۳۰. قانون اساسی ۱۳۵۸ و بازنگری ۱۳۶۸
۳۱. قانون اصلاح موادی از قاجاق کالا و ارزش ۱۳۹۴/۰۷/۲۲
۳۲. قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارزش ۱۳۹۲/۱۰/۰۳
۳۳. قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند ۱۳۷۲/۱۱/۲۷
۳۴. قانون مجازات اشخاصی که در امور سمعی و بصری فعالیت غیرمجاز می‌کنند ۱۳۸۶/۱۰/۱۶
۳۵. قانون ممنوعیت بکارگیری تجهیزات دریافت از ماهواره ۱۳۷۳/۱۱/۲۶
۳۶. قرائتی، م. (۱۳۸۷)، «تبادل یا تهاجم فرهنگی/درس‌های از قرآن»، کتابخانه دیجیتال تبیان، ۱۳۸۷/۱۲/۰۸.
۳۷. قرائتی، محسن، تفسیر نور سوره الفرقان، قم، موسسه فرهنگی و اطلاع رسانی تبیان، کتابخانه دیجیتال تبیان.
۳۸. قهرمانپور، ر. (۱۳۸۲)، «درنگی در واکنش‌ها: جهانی شدن و سیاست مقاومت» راهبرد، شماره ۳۰، ۱۳۸۲.
۳۹. گرامیان، س. س، پور قورچی، م. (۱۳۹۴)، «جهانی شدن و موانع فرهنگی جمهوری اسلامی ایران از منظر نظریه ساختار - کارگزار»، فصلنامه مطالعات راهبردی جهانی شدن، سال ۶، شماره ۱۶، پیاپی ۱۹، ۱۳۹۴.
۴۰. لاریجانی، ص. (۱۳۸۹)، «رئیس قوه قضائیه: در مقابله با تهاجم فرهنگی جهاد لازم است»، خبرگزاری جمهوری اسلامی، کد خبر ۶۱۲۹۹۸۱، ۱۳۸۹/۰۵/۱۶.
۴۱. لاریجانی، ع. (۱۳۹۶)، «اصلاح‌طلبان ویدئو را حرام می‌دانستند»، مشرق نیوز، کد خبر ۸۳۶۲۱۵، ۱۳۹۶/۱۲/۱۲.

۴۲. لاریجانی، ع (۱۴۰۰)، «هیئتی که قانون‌گذاری می‌کند باید از عقلا باشد»، پایگاه خبری تحلیلی انتخاب، کد خبر ۶۶۱۷۸۳، ۱۴۰۰/۱۲/۲۰.
۴۳. لایحه قانون مبارزه با قاچاق کالا و ارز ۱۳۸۹ / ۱۲ / ۲۵
۴۴. لک‌زایی، ن، نباتیان، م، (۱۳۹۲) «امنیت فرهنگی از منظر فقه شیعه»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۴، شماره مسلسل ۶۲، ۱۳۹۲.
۴۵. لک‌زایی، ن (۱۳۹۰)، «فقه و امنیت»، مجله فقه، سال ۱۸، شماره ۷۰، ۱۳۹۰.
۴۶. محمودی رجا، ز، امام جمعه‌زاده، ج، باقری دولت‌آبادی، ع (۱۳۹۵)، «تحلیل رویکرد دولت نهم و دهم نسبت به جهانی شدن فرهنگ با استفاده از نظریه آشوب»، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال ۵، شماره ۱۷ (شماره پیاپی ۱۴۷)، ۱۳۹۵.
۴۷. مرکز اسناد انقلاب اسلامی (۱۳۹۴)، شش واقعه مهم در مجلس پنجم، کد خبر ۱۷۵، ۱۳۹۴/۱۲/۰۸
۴۸. مشرق‌نیوز، «چرا رهبر انقلاب از آرا و عملکرد احمدی‌نژاد در حوزه فرهنگ ناراضی بودند؟» مشرق‌نیوز، کد خبر ۱۲۱۶۸۲۶، ۱۴۰۰/۰۲/۲۴.
۴۹. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، دوره چهارم، جلسه ۱۴۶، ۱۳۷۲/۰۷/۰۴
۵۰. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، دوره چهارم، جلسه ۲۸۷، ۱۳۷۳/۰۷/۱۱
۵۱. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، دوره چهارم، جلسه ۱، ۱۳۷۱/۰۳/۰۷
۵۲. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، دوره چهارم، جلسه ۱۳، ۱۳۷۱/۰۵/۱۴
۵۳. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، دوره چهارم، جلسه ۱۷، ۱۳۷۱/۰۵/۲۰
۵۴. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، دوره چهارم، جلسه ۱۹۹، ۱۳۷۲/۱۲/۰۳
۵۵. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، دوره نهم، جلسه ۳۳۷، ۱۳۹۴/۰۴/۲۳
۵۶. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، دوره هشتم، جلسه ۱۲۲، ۱۳۸۸/۰۶/۱۱

۵۷. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، دوره هشتم، جلسه ۳۳۱، ۲۲/۰۳/۱۳۹۰.
۵۸. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، دوره هفتم، جلسه ۲۸۱، ۰۳/۱۰/۱۳۸۵.
۵۹. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، دوره هفتم، جلسه ۲۸۳.
۶۰. مشروح مذاکرات مجلس شورای اسلامی، کتابخانه مجلس شورای اسلامی، روزنامه رسمی، دوره هفتم، جلسه ۱۳۸، ۰۶/۰۱/۱۳۸۴.
۶۱. مصباح یزدی، محمد تقی (۱۳۹۴)، *تهاجم فرهنگی، تحقیق و نگارش: عبدالجواد ابراهیمی، چ ۱۲، انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی، ۱۳۹۴. دسترسی در پایگاه اطلاع رسانی مصباح یزدی.*
۶۲. مکی العاملی، شیخ ابی عبدالله شمس‌الدین محمد بن جمال‌الدین (۱۳۹۲)، *لمعه دمشقیه، ترجمه: محسن غرویان و علی شیروانی، ج ۱، چ ۴۶، قم، دارالفکر، ۱۳۹۲.*
۶۳. میر موسوی، ع (۱۳۹۴)، «معودگرایی سیاسی»، *پایگاه مرجع ما، ۰۵/۰۵/۱۳۹۴.*
۶۴. نادمی، د، «دیدگاه‌های موافقان و مخالفان جهانی شدن»، *سیاسی - اقتصادی، شماره ۲۶۷ - ۲۶۸.*
۶۵. نباتیان، م. (۱۳۹۵)، «مبانی فقهی نظام جمهوری اسلامی؛ امنیت سیاسی نظام اسلامی از منظر فقه شیعه»، *فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال ۱۳، شماره ۴۷، ۱۳۹۵.*
۶۶. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۳)، *تقریرات جامعه‌شناسی جنایی (جامعه‌شناسی جرم)، تهیه و تنظیم: مهدی صبوری پور، دوره کارشناسی ارشد، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۸۳.*
۶۷. نجفی ابرندآبادی، ع ح، گلدوزیان، ح (۱۳۹۷)، «جرم‌شناسی پست مدرن و رویکرد آن به جرم و علت شناسی جنایی» *پژوهش حقوق کیفری، سال ۶، شماره ۲۳، ۱۳۹۷.*
۶۸. نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۹۸)، *دایره‌المعارف علوم جنایی، چ ۳، تهران، انتشارات: میزان، ۱۳۹۸.*
۶۹. نجفی ابرندآبادی، ع. ح (۱۳۸۴)، «از عدالت کیفری «کلاسیک» تا عدالت «ترمیمی»»، *قضاوت، سال ۳، شماره ۲۶، ۱۳۸۴.*